

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مېباد
بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»

31 جولای 2011

گرمی محبت

در برج قوس سال 1334 ش، سفری داشتم به شهر قندوز. دران زمان یکی از دوستان محترم من مرحوم غلام حبیب نوابی که همیشه باهم تماسهای فرهنگی داشتیم، مدیر مطبوعات قطغن بود و در شهر پر جم و جوش قندوز اقامت داشت. یک روز بعد از مواصلتم به عزم دیدار به آدرس شان روان شدم، مرحومی نیز به غرض خبرگیری از من در اقامتگاهم، «کلپ سپین زر» قدم رنجه کرده و در غیاب پرزه خط محبت آمیزی به آدرس من ارقام و با قدردانی بیش از حد مقدم مرا در قندوز گرامی خوانده و سفرم را دران شهر سبب خوشی دوستان و گرمجوشی هوا و فضای آن دیار تعبیر کرده بود. با مطالعه آن نوشته دوستانه بدها شعری سرودم که اینک آن را به یاد همان خاطرات طلایی و دوستان فراموش ناشدنی، تقدیم دوستداران میکنم:

بس که اندر دل ما برق تمنا گرمست	شرق تا غرب وطن از نفس ما گرمست
شور حسرت به جگر سر به بیابان زده ام	آری این بادیه از آه دل ما گرمست
وارث مشرب مجنونم و کس واقف نیست	آخر از سلسله ماست که صحرا گرمست
خوب میدانی ز سوز من آغشته به درد	از من ار سینه بود، از تو سراپا گرمست
من و تو هر دو ز یک شعله بدر آمده ایم	دل ما هم چو نی از ناله به هرجا گرمست
دیده و دل همه جا فرش سر راه تو بود	تا بدانی که کجا سرد و کجاها گرمست
اینک این قطره خون من و سرپنجه تو	بین که سردست چنین تحفه ما یا گرمست

مژده ای بلبل شوریده «اسیر» تو رسید

ناله عشق فزون کن که تماشا گرمست

(م. نسیم «اسیر» - شهر قندوز، 17 قوس 1334 ش)